

کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی

جستاری بر مبانی نظری فن‌آوری ساخت (صنع، صنعت و مصنوع) در دیدگاه هنر و معماری اسلامی

دکتر افسانه زرکش *

چکیده

ستایش خدای را که اول است و پیش از او اولی نبوده، و آخر است و پس از او آخری نباشد (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵، دعای ۱، ۲۸) و سلام بر پیامبر خاتم (ص) و آل مطهرش

یکی از نگرش‌های مهم در تاریخ فلسفه‌ی تکنولوژی ساخت، دیدگاه اسلامی شامل صنع، صنعت و مصنوع می‌باشد. ضرورت آشنایی با نظرات اسلام در این خصوص به‌ویژه برای مهندس، معمار و هنرمند مسلمان و کسب فیض از نگرش اسلام به مقوله‌ی صناعت و مصنوعات، تحقیقات بسیار ناچیز در این زمینه، و اهمیت موضوع تکنولوژی در عصر فعلی، ایجاب می‌کند به این موضوع پرداخته شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی ـ تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات از منابع مکتوب و رایانه‌ای صورت گرفته است.

مطالعات به عمل آمده روشن می‌کند که فلسفه فن‌آوری اسلامی بر محوریت خدای متعال قرار دارد و این دیدگاه نگاهش به مصنوعات در اتصال با پروردگار و صنعت اوست. نخستین پایه‌ی فکری فن‌آوری ساخت این است که خداوند عزّ و جل، صانع و حکیم حقیقی است و فعل صنع توسط او انجام می‌شود و صنعت او، طبیعت و خلایق بی‌سابقه و شگفت‌آور هستند. زیرساخت دیگر فن‌آوری در نگرش اسلامی این است که صناعات و مصنوعات انسانی وجود دارند که با امر، هدف و تعلیم الهی ساخته شده‌اند و از نظر نگارنده جای تأمل و تفکر بسیار دارند. به علاوه در این بینش، انسان نه در ربط با تکنولوژی بلکه در ارتباط با خداوند تعریف می‌شود و باید به ارزش‌های معنوی و اخلاقی در هنر و صنعت توجه گردد. هم‌چنین هماهنگی بین مصنوعات انسانی و طبیعت، و حفاظت از محیط مد نظر می‌باشد. این نگرش، مصنوعات انسان را منتسب به خدای تعالی می‌داند و معتقد است در لوای این نیاز به فعل خداوند، انسان در ساخته‌های خود رابطه‌ای مصنوعی میان اجزاء برقرار می‌کند و می‌کوشد هدف خویش به عنوان سازنده را در آن محقق نماید که این خصوصیات با چگونگی صنع و مصنوع خداوند بسیار تفاوت دارد.

واژگان کلیدی: دیدگاه اسلامی، صنع، مصنوع، صانع

* دکتری معماری از دانشگاه تهران ـ استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

یکی از دیدگاه‌های مهم و از منظر مهندس، معمار و هنرمند مسلمان مهم‌ترین نگرش در تاریخ فلسفه و مبانی فکری تکنولوژی، دیدگاه اسلامی نسبت به فن‌آوری به‌ویژه فن‌آوری ساخت شامل صنع، صنعت و مصنوع است. بالاخص برای مهندس، معمار و هنرمند مسلمان ضروری است که با نظرات اسلام و عقاید اسلامی در این خصوص آشنا شود، جایگاه و ماهیت صنع و مصنوعات انسانی را بشناسد و از رهنمودهای اسلام در مورد نحوه‌ی نگاه به فن و مصنوعات و در مسیر ساخت آنها و نوآوری‌های فنی بهره‌گیری نماید. به علاوه نگارنده تا حدی که جست‌وجو کرده تحقیقاتی بسیار اندک و آن‌هم در زمینه‌ی توسعه صورت گرفته و هم‌چنین به لحاظ تاثیر تکنولوژی در زندگی و اهمیت موضوع تکنولوژی در عصر حاضر و نگرش‌های مختلف مطرح شده در مورد آن، در این مقاله حتی الامکان به شناخت و تبیین مبانی فکری فن‌آوری ساخت در نگرش، هنر و معماری اسلامی پرداخته می‌شود. اما این پژوهش به عنوان نقطه‌ای آغازین برای نگارنده مطرح است و موضوع باید به طور عمیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در اینجا توصیفی ـ تحلیلی بوده و رویه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، جست‌وجو و شناسایی مبانی مورد نظر از منابع مکتوب و کامپیوتری بوده است.

مبانی نظری فن‌آوری ساخت

خدای صانع؛ صنعت و صنع خدا

در بینش اسلامی، خدای متعال به عنوان صانع، مبتدع (بدیع) و مخترع حقیقی دانسته شده و اینها از اسماء و صفات خداوند ذکر شده‌اند. در این رابطه در فرازهایی از دعای جوشن کبیر که آن را جبرئیل(ع) در یکی از غزوات برای پیغمبر (ص) آورد بیان شده: «اللهم انی اسئلک باسمک یا مانع یا دافع یا رافع یا صانع یا نافع...(۹) یا صانع کل مصنوع یا خالق کل مخلوق...(۱۰)': بار خدایا از تو خواهم بنامت ای مانع ای دافع ای رافع ای سازنده ای سود بخش... ای سازنده هرچه ساخته است ای آفریننده هر آفریده...» در دعای سمات مروی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نیز آمده: «... و به حکمتک التی صنعت بها العجائب...: و بدان حکمت خود که ساختی بدان شگفت‌آورها را»

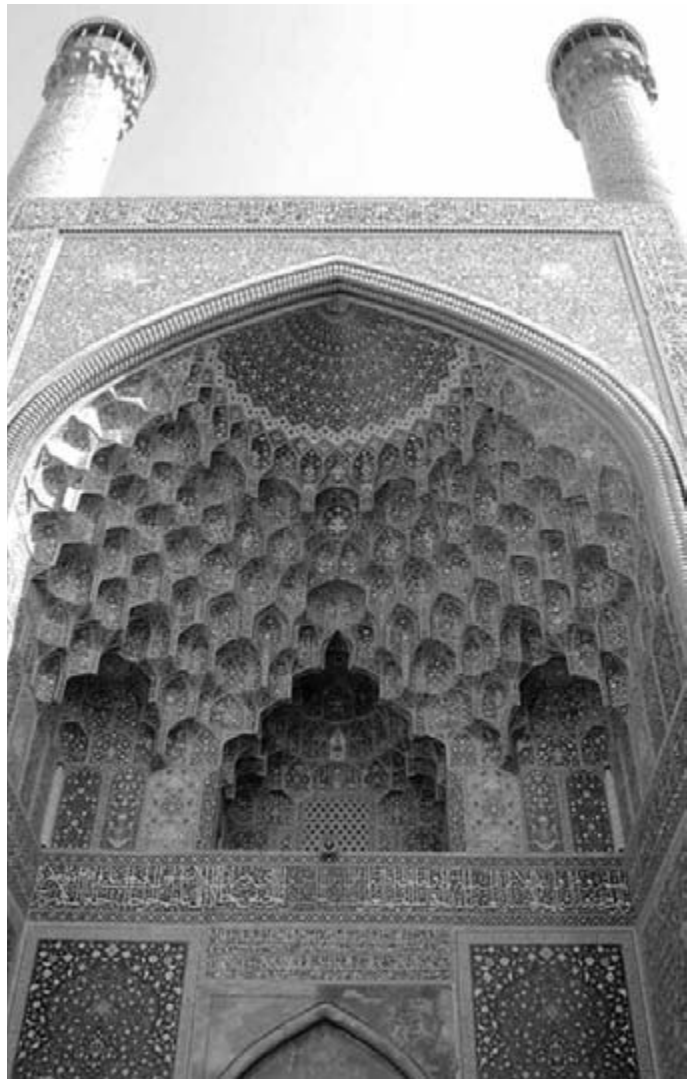
در قرآن‌کریم علاوه بر ذکر بدیع بودن خداوند، صنعت او که طبیعت است و شامل زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر و... است ذکر شده و در این نگرش دارای اهمیت و جایگاه خاصی است. در سوره بقره آیه ۱۱۷ می‌خوانیم: «بدیع السموات و الارض و اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون»یعنی آفریننده آسمان‌ها و زمین است هرگاه آفریدن چیزی را اراده کند و بفرماید موجود شو بی‌درنگ موجود گردد. هم‌چنین در سوره انعام آیه ۱۰۱ آمده: «بدیع السموا ت و الارض انی یکون له ولد و لم تکن له صاحبه و خلق کل شی و هو بکل شی علیم: اوست پدید آورنده آسمان و زمین و چگونه وی را فرزندی تواند بود در صورتی‌که او را جفتی نیست و او همه چیز را آفریده و به همه امور داناست». در تفسیر آیه‌ی اول نگاشته شده که «بِدْع» به معنای کار بی‌سابقه کردن است. در «کافی» و،«بصائرالدرجات» از «سدیر صیرفی» نقل شده که می‌گوید: «عمران بن اعین» درباره آیه شریفه «بدیع السموات و الارض» از امام باقر (ع) سوال کرد حضرت فرمود: «خداوند عز و جل تمام موجودات را به‌طور بی‌سابقه‌ای به علم خود ایجاد کرده بدون اینکه قبلاً مانندی داشته باشند، آسمان‌ها و زمین‌ها را آفرید با اینکه

قبلاً آسمان‌ها و زمین‌هایی نبود، آیا نشنیده‌ای که می‌فرماید: «و کان عرشه علی الماء» عرش خدا روی آب قرار داشت. (منظور از آب، آبهای معمولی نیست) (طباطبایی: ۱۳۷۶، ج ۱، ۳۵۹)

حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۸۹ که پاره‌ای از صفات حق تعالی را بیان می‌کنند، می‌فرمایند:«ذلک مُبْتَدِعُ الْخَلْقِ و وارثه (۲): او است آفریننده و اختراع کننده خلائق بی‌سابقه و مانند (یا از عدم و نیستی به‌وجود و هستی آورنده) و (پس از فناء و نابودی آنها) وارث ایشان و باقی و برقرار. در دعای جوشن کبیر هم «یا بدیع» به معنای «ای نقشه آفرین یا پدیدآور» و در دعاهای مشلول تعلیم حضرت علی(ع) و مجیر مروی از پیغمبر(ص) که جبرئیل هنگام نماز در مقام ابراهیم برای آن حضرت آورد نیز «یا بدیع» عنوان شده است. در این زمینه در برخی از ادعیه نیز بیان شده از جمله در صحیفه سجادیه امام زین العابدین (ع) فرموده‌اند: « ابتدع بقدرته الخلق ابتداعا، و اخترعهم علی مشیته اختراعا: به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش بوجود آورد بی اینکه از روی مثال و نمونه‌ای باشد (چون همیشه خداوند بوده و دیگری جز او نبوده که نمونه به‌دست داده باشد)» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵، دعای ۱، ۲۹) در دعای جوشن کبیر ذکر شده: «... یا من خلق الاشیاء من العدم (۸۰): ای که آفریده هر چیز را از عدم.»

فی الواقع غیر از خدا کسی نمی‌تواند صانع حقیقی باشد. تنها خداست که [می‌میراند و] زنده می‌کند.

حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در خطبه اول بیان فرموده‌اند: «انشا الخلق انشاء، و ابتدأهُ ابتداء، بلارویّه اجالها، و لاتجربه استفادها، و لاحرکت احدثها، و لاهمامه نفس اضطراب فیها» (۹): مخلوقات را بیافرید بدون به‌کار بردن فکر و اندیشه (زیرا فکر در هر چیزی برای حصول امری است که نبوده و همه اشیاء برای خداوند متعال در مرتبه ذات اولاً و ابداً ثابت است) و بی‌تجربه و آزمایشی که از آن استفاده کند (زیرا تجربه درباره کسی است که بخواهد به آزمایش علم پیدا کند، نه درباره خدای تعالی که علم او عَین ذات اوست) و بی آنکه جنبشی در خود پدید آورد (آفریدن او از روی حرکت نیست، زیرا حرکت نفس تغیّر است و تغیر از خواص امکان باشد) و بی اهتمام نفسی که در آن اضطراب و نگرانی داشته باشد (که آیا این کار که کرده صلاح بوده یا نه، زیرا اضطراب و نگرانی مستلزم جهل به عواقب امور است، و جهل و نادانی بر ذاتی که عَین علم است روا نیست)



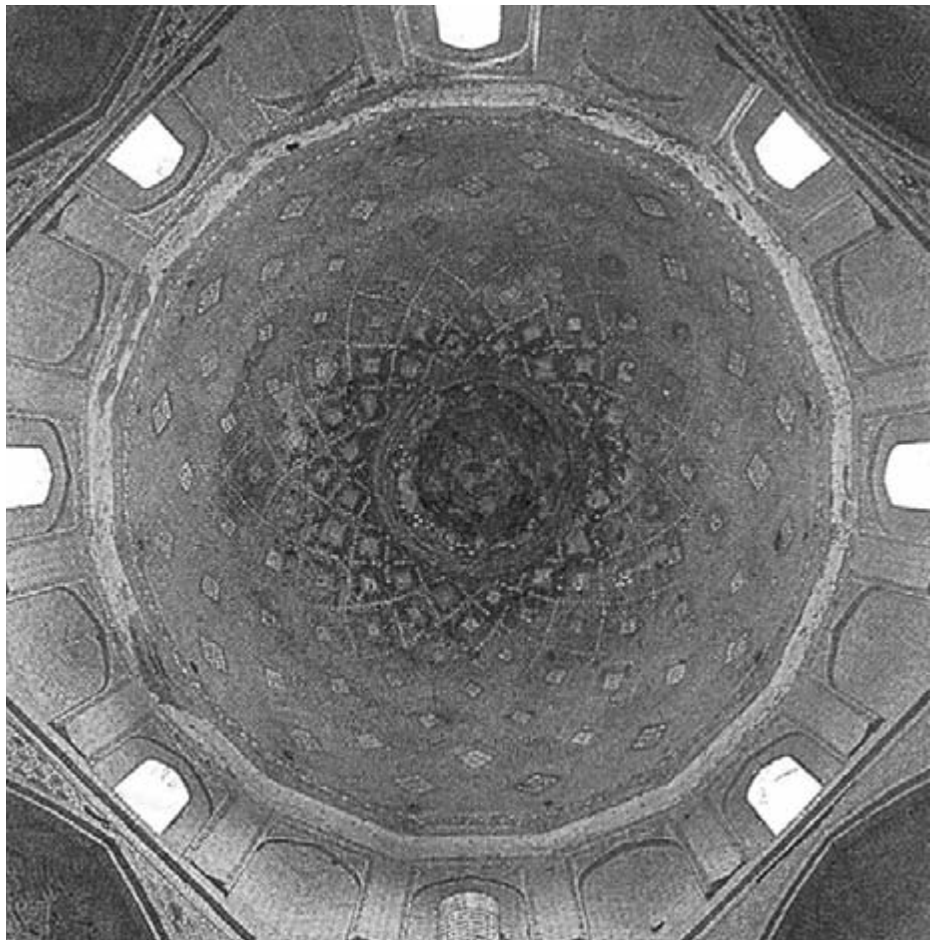
در صنع خداوند، رابطه اجزای مصنوع، پیوندی طبیعی است و غایات افعال باری تعالی همه غایات فعل‌اند نه غایات فاعل و حکمت خداوند به معنی رساندن موجودات است به غایات خودشان.

همین‌طور امام علی (ع) در خطبه‌ی ۱۵۴ در خصوص شگفتی آفرینش یکی از صنایع خداوند شامل شب پره فرموده‌اند:

« و من لطائف صَنْعَته، و عجائب حکمته، ما ارانا من غوامض الحکمـه فی هذه الخفا فیش الّتی یفبضها الضّیاء الباسط لکلّ شئ و یبسطها الظّلام القابض لکل حیّ... (۱): و از جمله صنعت‌های مورد تامل و دقت او و از زمره آفرینش‌های شگفت‌آورش آنست که به ما نمودار نموده است از عجائب آفرینشی که در این شب پره‌ها است که (بین آنها با همه حیوانات تفاوت است، زیرا) روشنایی روز که گشاینده دیده هرچیزی است دیده آنها را می‌بندد و تاریکی شب که دیده هر زنده‌ای را می‌بندد، دیده آنها را باز می‌کند و...»

مصنوعات انسانی الهی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که ساختن مصنوعاتی طبق امر خداوند و برای اهداف والای الهی و جلب و هدایت



انسان‌ها به سوی حق متعال توسط تعدادی از پیامبران الهی که بالاترین و برترین انسان‌ها هستند انجام می‌گیرد و طریقه‌ی ساخت آنها از جانب خداوند به پیامبران تعلیم داده می‌شود. در سوره انبیاء آیه ۸۰ ذکر شده:«وعلمناه صنعته لبوس لکم لتحصنکم من باسکم فهل انتم شاکرون: و آموختیم او را ساختن لباس جنگ برای شما تا نگاه دارد شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر آیا شکر الهی بجا می‌آورید.» معنای آیه این است که ما صنعت زره سازی را به داود تعلیم دادیم تا برای شما زره بسازد و شما با آن وسیله از شدت فرود آمدن اسلحه بر بدن خود جلوگیری کنید، و جمله «فهل انتم شاکرون» تقریر و تحریک بر شکر است. (طباطبایی. ۱۳۷۶، ج ۱۴، ۴۶۹ و ۴۷۰) در سوره السّبا آیات ۱۰ و ۱۱ هم در این راستا بیان شده: «... و نرم کردیم برای او آهن را، امر کردیم بساز زره‌ها و اندازه نگهدار در بافتن آن و بکنید کار شایسته به درستی که من به آنچه می‌کنید بینایم». در سوره هود آیات ۳۷ و ۳۸ نیز می‌خوانیم:«و اصنع الفلک باعیننا و وحینا و لاتخاطبنی فی الذین ظلموا انّهم مغرقون: و بساز کشتی را به اعانت و وحی ما و نه خطاب کن مرا در آنان که ستم کردند که ایشانند غرق شدگان.» در تفسیر آیه مذکور اظهار شده که در اینجا وحی در مقابل عمل یعنی پشتیبانی و هدایت عملی بوسیله تائید روح‌القدس است که به او اشاره می‌کند چنین و چنان کن. بنابراین معنی آیه اینست که کشتی را تحت مراقبت کامل و تعلیم ما بساز و از من مخواه که عذاب را از اینهایی که ستم پیشه کرده‌اند بازگردانم زیرا قضای حتمی و غیرقابل برگشت، به غرق ایشان تعلق گرفته است. (همان، ج ۱۰، ۳۴۹) گویی حضرت نوح (ع) در این کار از خاندان و پیروان خود استمداد می‌کرد و ایشان در ساختن کشتی با او شرکت داشتند. حضرت نوح(ع) سرپوشی بر بالای کشتی ترتیب داده بود و گفته‌اند که کشتی تا یک سال در روی آب سیر می‌کرد و ا... یعلم. در چند آیه بعد حضرت نوح (ع) با جمله «ان ربی لغفور رحیم» نام خدا را می‌برد که با آن برای انداختن و متوقف کردن کشتی جلب خیر و برکت کند زیرا وقتی کاری یا چیزی را معلق بر نام خدا کردیم و به او مربوط ساختیم آن را از نابودی و تباهی حفظ کرده‌ایم و از ضلالت و زیان برحذر داشته‌ایم زیرا خدا دارای درجاتی رفیع و جانبی منیع است و محو و فناء و خستگی و رنج بسوی او راه ندارد و هر موجودی که به او وابستگی داشته باشد لامحاله از راه یابی عوارض سوء مصون خواهد بود.

بنابراین حضرت نوح (ع) براه انداختن و متوقف‌کردن کشتی را که علت‌های ظاهری نجات کشتی و کشتی نشینان از غرق شدن است به نام خدا وابسته کرده زیرا این دو سبب در صورتی توفیق می‌یابند که عنایت الهی شامل سرنشینان آن شود و عنایت الهی نیز وقتی شامل می‌شود که رحمت و مغفرت الهی شامل حال کشتی نشینان و خطاهایشان شود تا از غرق شدن نجات یابند و با گشایش و وسعت روی زمین زندگی کنند.[۲] (همان، ۳۵۴) در سوره مومنون آیات ۲۶ تا ۳۰ نیز در این زمینه ذکر شده، در آیات ۲۸ و ۲۹ بیان شده: «پس چون در شدی تو و هر که با تو است بر کشتی پس بگو سپاس مر خداوندی را که نجات داد ما را از گروه ستمکاران (۲۸) و بگو پروردگارا فرو آور مرا فرو آمدنی برکت داده و تویی بهتر فروآورندگان (۲۹)در توضیح این آیات بیان شده که وحی آمد به نوح که کشتی را به طریق سینه مرغ بساز. در سوره عنکبوت آیه ۱۵، نشانه بودن کشتی آمده: «فانجیناه و اصحاب السفینـه و جعلناها ایه للعالمین: و تنها خود نوح را با اصحاب کشتی او از غرق نجات دادیم و آن کشتی را برای خلق عالم آیت قرار دادیم.» بنابراین مصنوعاتی با مقاصد الهی و فراخواندن انسان‌ها به سوی خدا ساخته شده‌اند.

انسان در ربط با خدا؛ علل ایجاد مصنوعات

برخلاف نظر گاست[۳]، فیلسوف اسپانیایی که وجه انسانی انسان را در ارتباط با تکنولوژی، و عقیده هایدگر[۴] که انسان را مرتبط با وجود، و تجلی هستی را صرفاً از طریق انسان می‌دانند و پایه‌گذاران دیدگاه فن سالاری (تکنوکراسی) از کپلر گرفته تا گالیله و کپرنیک که عملاً آوازه جدایی ارزش‌های اخلاقی از مبانی عقلی را سر دادند،[۵] انسان از نظر اسلام و قرآن در ارتباط با خدا تعریف شده و بنابراین مصنوعات او و لوازم مورد نیاز برای این منظور، و فعل او روی طبیعت نیز در ربط با خداوند تعریف می‌شود. پروردگار انسان را بر آنچه آفریده مسلط نموده و از او خواسته که روی آنها کار نماید.

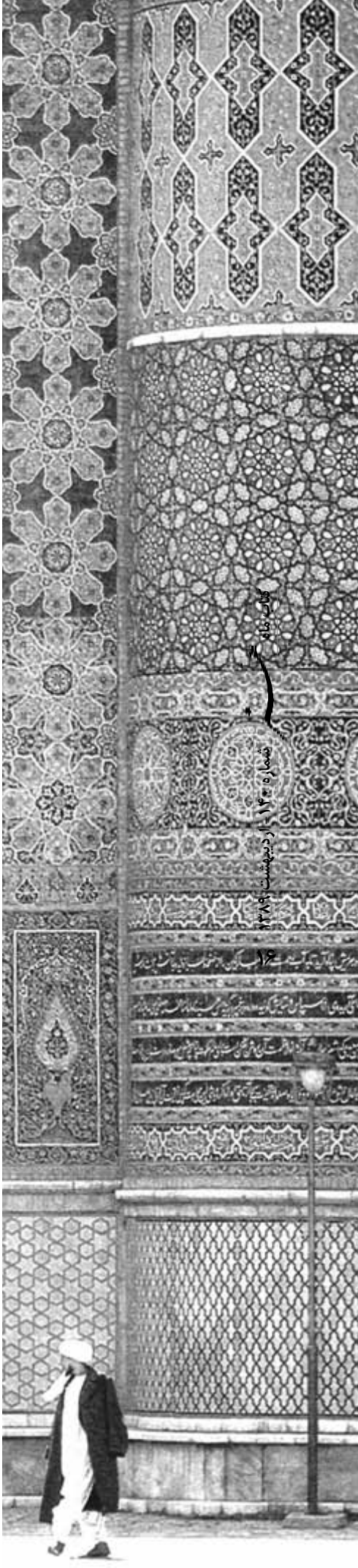
در دیدگاه اسلامی، انسان از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است و خداوند او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آن گاه خویشتن واقعی خود را ادراک و احساس می‌کند که صفات مذکور را در خود درک نماید و خود را برتر از پستی‌ها، دنائت‌ها، اسارت‌ها و شهوترانی‌ها بشمارد. در سوره‌ی اسراء آیه ۷ آمده: «همانا ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر صحرا و دریا (خشک و تر) مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم.»

از سوی دیگر نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است. در سوره‌ی بقره آیه ۲۹ ذکر شده: «همانا او است که آنچه در زمین است برای شما آفرید.» و در سوره جاثیه آیه ۱۳ آمده: «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مسخّر او قرار داده است.» آری از انسان خواسته شده با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. پس او حق بهره‌گیری مشروع از همه نعمت‌های خدا را دارد.

انسان در نتیجه‌ی نیروی فکری و رابطه تسخیری که با همه موجودات دارد موفق شده یک دسته از علوم اعتباری را برای ورود به مرحله تصرف در اشیاء و تاثیر در موجودات خارج از خود تهیه نماید تا از آنها برای حفظ وجود و بقایش استفاده کند. خداوند متعال این علوم (علوم عملی و ادراکات) را به انسان الهام کرده تا اینکه برای ورود در میدان کار و کوشش و شروع در تصرف و تسخیر جهان هستی مجهز و مهیا باشد و خدا کاری را که می‌بایست انجام یابد، تمام نماید. انسان با نیروی تعقل، قوانین کلی جهان را کشف می‌کند و براساس شناخت کلی جهان و کشف قوانین کلی طبیعت، طبیعت را عملاً استخدام می‌کند و در اختیار خویش قرار می‌دهد و آن را منطبق بر نیازهای خویش می‌سازد. بنابراین علم راه ساختن را به انسان ارائه می‌دهد.

این سلسله از علوم و ادراکات، آدمی را با ماده و استعمال آن مرتبط می‌سازد و انسان آلات و ادوات بی‌شماری می‌سازد که با آنها تصرفاتش را توسعه داده و به مقاصد خویش در زندگی دست می‌یابد. اما اینکه طبیعت را چگونه بسازد به علم مربوط نیست، بلکه بسته به آن است که انسان‌هایی که علم در فرمان آنهاست چگونه انسان‌هایی باشند. ایمان است که اینجا نقش پیدا می‌کند. ایمان مانند قدرتی حاکم بر انسان عمل می‌کند و خواست او را در اختیار می‌گیرد و در مسیر حق و اخلاق سوق می‌دهد. ایمان انسان را می‌سازد و انسان با نیروی علم جهان را. آنجا که علم و ایمان توام گردند، هم انسان سامان می‌یابد و هم جهان. بنابراین نقش ایمان این است که انسان را به سوی کیفیت ساخت بهتر خود و آینده، که برای خویشتن و جامعه بهتر باشد، می‌کشاند.

ابن‌سینا یکی از دانشمندان و مهندسان اسلامی نیز حامل پیام اخلاق و دین در نوع انسان است. وی معتقد است پیشرفت اخلاقی و معنوی همواره باید علم و تکنولوژی را همراهی کنند. این دانشمند تفکیکی میان حوزه‌های مختلف دانش، بین دانشمندان و سیاستمداران، بین"علم و اخلاق" نمی‌بیند. محمد هموید معمار







برجسته معاصر، خدامحوری و ارزش‌های انسانی را از نکات برجسته معماری اسلامی ذکر می‌کند. از نظر وی، در جوامعی که خدا به عنوان آفریننده‌ی هستی، هنر و صنعت، محور اندیشه و طرح‌ها باشد راه تکامل همواره باز و حرکت به سمت تعالی با شتاب صورت می‌گیرد. سید حسین نصر یکی از متفکران اسلامی (مبتنی بر تصوف) بیان می‌کند که در هنر اسلامی ذهن و روح مسلمانان از جمله هنرمندان و صنعتگران توسط مناسک و شعائر مذهبی اسلام شکل می‌گیرد و تحت تاثیر معنویت اسلامی است.

ایجاد هماهنگی بین طبیعت و مصنوعات انسانی

ابن‌سینا تقسیمی میان "علم و محیط" و بین " علم و اخلاق" و بنابراین فی مابین "محیط و اخلاق" نمی‌بیند. در علم ابن‌سینا، انسان در جست‌وجوی ارتباط با طبیعت به گونه هماهنگی است و به‌دنبال آن است که آن را بشناسد و با آن مطابقت نماید. نصر هم بیان می‌کند طبیعت به عنوان محمل یاد خدا نگریسته می‌شود و اگر طبیعت بکر این‌گونه است بدین جهت است که خالق آن «صانع» الهی بوده چنان‌که یکی از اسماء پروردگار، «صانع» به معنای سازنده یا صنعتگر است. به همین ترتیب هنر اسلامی هم می‌تواند محمل ذکر «احد» قرار گیرد به این دلیل که اگر چه خالق آن انسان است اما از نوعی الهام فرافردی و حکمت ناشی می‌شود که به "او" (خدا) باز می‌گردد. بنابراین در دیدگاه اسلامی، طبیعت برای انسان الگوست و معماری اسلامی سر آن ندارد تا موضعی متضاد و مخالف طبیعت و ریتمهای آن بگیرد بلکه همواره هماهنگی خود را با محیط حفظ می‌کند. معماری اسلامی نه تنها در ریتم‌ها و نیروهای طبیعت بلکه در هماهنگی و وحدت خیره کننده‌اش نیز شریک می‌شود. این هماهنگی اکولوژیک (زیست ـ بومی) معماری سنتی اسلامی، هم ماحصل سرشت معنویت اسلامی است و هم پیامد تفکر معقولانه زیست بومی و اقتصادی به مفهوم امروزی این کلمات است. این درهم آمیختگی با طبیعت، مسلمانان را نسبت به تحلی خداوند یعنی طبیعت متذکر می‌شود.

معرفت شهودی و درک عمیق و تجربه مستقیم از مصالح و اشیاء از خصوصیات معمار و بنّای مسلمان سنتی به‌عنوان یک صناعت پیشه‌ی سنتی است. چنین صنعتگری در هیچ دوره‌ای در پی آن نبود تا کاری کند که هر شیء خاص چیزی جز آنچه هست، به نظر آید.

نصر معتقد است رویکرد شرق به علم و تکنولوژی یکپارچه است. شرقیان در مطالعاتشان بر وحدت با طبیعت تاکید می‌کنند و بدینسان اهمیت زیست محیطی توسعه را می‌پذیرند. اگر ارزش‌های معنوی و مذهبی در دستور کار تکنولوژی قرار نگیرد فاجعه‌های زیست محیطی و همچنین بی معنایی زندگی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. نه علم و نه تکنولوژی هیچکدام نمی‌توانند خود را بی ارتباط با اخلاق زیست محیطی بدانند.

مورخین و متفکرانی چون آشر[۶]، مامفورد[۷] و گیدین[۸] در دوره‌ی معاصر نیز، در بررسی تاریخ تکنولوژی، در تعقیب حقایق اخلاقی و فرهنگی کنارگذاشته شده در دوره نئوتکنیک بودند. آنها نگرشی را پیشنهاد کردند که



عبارت از "تکنولوژی به عنوان یک پدیده اساساً انسانی" بود. مامفورد بیان کرده که ما نمی‌توانیم سودهای عملی ماشین را بدون قبول ضروریات اخلاقی و فرم‌های زیبایی‌شناسانه بپذیریم. در دوره‌ی بیوتکنیک (بعد از نئوتکنیک) دنیا از تخریب و اتلاف محیط به حفاظت محیط عبور می‌کند.

ویژگی‌های صنع بشری

الف ـ انتساب مصنوعات انسانی به خدا

در بینش اسلامی، مصنوعات انسان تماماً مخلوق و ساخته‌ی انسان و صددرصد مخلوق اراده و اختیار انسان نیستند بلکه نسبتی میان ساخته‌های انسان و خدای عالم وجود دارد و مصنوعات انسان منتسب به خداوند است. ربّ متعال کشتی را در آیاتی در عداد حوادث طبیعی که اراده و اختیار بشر دخالتی در آن ندارد شمرده و از آیات خود قرار داده است. در سوره الرحمن آیه ۲۴ خداوند کشتی‌ها را مِلک خود شمرده و می‌فرماید: «کشتی‌های کوه پیکری که بر سطح دریاها روانست از آن خداست.» و در سوره ابراهیم آیه ۳۲ هم تدبیر امور آن را مربوط به خود معرفی نموده و فرموده: «کشتی را مسخر شما گردانید تا به فرمان او در دریا حرکت کند.» از این آیات دریافت می‌شود که این امور هم به قدرت و صنع خدا بازمی‌گردد زیرا اگر دقت کنیم ملاحظه می‌نماییم که نسبت افعال انسان به انسان بالاتر از نسبتش به علل طبیعی نیست. اراده و اختیار انسان موجب استقلال او و بی‌نیازی‌اش از خداوند عالم نیست و نمی‌تواند احتیاج او را به خدا از احتیاج عوامل و اسباب طبیعی کمتر کند، بنابراین هیچ تفاوتی (از نظر نیاز به خدا) در میان علل طبیعی که به‌وسیله‌ی فعل و انفعالات و تجزیه و ترکیب، صورتی مانند سنگ به وجود می‌آورند و انسان که به کمک حرکات و افعال خود مواد طبیعی را به صورتی مانند کشتی بیرون می‌آورد، نیست، چه اینکه هر دو محتاج به ایجاد و فعل خدا هستند و استقلالی از خود، نه در ذات و نه در افعال ندارند. در آیه ۶۹ سوره صافات نیز به این حقیقت اشاره شده که: «و ا... خلقکم و ما تعملون» خداوند شما و آنچه را انجام می‌دهید آفریده است.» با توجه به اینکه این سخن را حضرت ابراهیم (ع) در برابر قوم بت پرست خود درباره بت‌ها بیان فرموده مطلب روشنتر می‌شود، زیرا بت هم مانند کشتی ساخته دست بشر است. البته توجه شود که بت‌ها صرفنظر از جنبه‌ی معصیت، منسوب به خدا هستند و از جهت بت بودن و معبود واقع شدن مستند به او نیستند بلکه عمل شیطان یا انسان هستند هم‌چنین در سایر امور مشابه آن.[۹] اما مک کلری[۱۰] یکی از محققین تکنولوژی در زمان معاصر محرکی مبنی بر اینکه طبیعت، مربوط به خدا و تکنولوژی مربوط به انسان است، پیشنهاد نموده است.

ب ـ رابطه مصنوعی بین اجزاء مصنوعات

صنع بشری ویژگی‌های دیگری نیز دارد که با صنع خداوند تفاوت می‌کند. تمام تلاش‌های انسان نوعی حرکت از قوه به فعل و از نقص به کمال است. به‌علاوه انسان به حکم اینکه جزئی از اجزای طبیعت است و نه خالق آن، تصرف او در طبیعت به شکل برقرارکردن رابطه مصنوعی (غیرطبیعی) میان اجزای طبیعت است.

ج ـ تحقق هدف صانع

ساخته‌های انسان از قبیل شهر، خانه و کشتی عبارت است از یک سلسله مواد طبیعی که با ارتباطی مصنوعی به سبب هدف و غایتی که غرض صانع و سازنده است نه هدف مصنوع، با یکدیگر پیوند یافته‌اند. صانع قصد دارد به‌وسیله مصنوع، خود را به هدفی نائل کند و از خویش رفع نقص نماید و خود را از قوه به فعلیت رساند. بنابراین فاعلیت انسان‌ها فاعلیت بالقصد است. حکمت انسان به معنی انتخاب فاضل‌ترین وسیله‌ها برای بهترین غایت‌هاست که با صنع خداوند که در بحث نخستین بیان شد، بسیار تفاوت دارد.



نتیجه

بررسی انجام شده روشن می‌کند که نگرش اسلامی همانند دیدگاه مدرن که تکنولوژی را مسلط بر فرهنگ و زندگی امروز انسان می‌داند نیست و بینشی مکانیکی و مادی که محدود به تعریفی ابزارگونه از تکنولوژی است، نمی‌باشد. ایمان و اعتقاد به خدای متعال و اینکه همه چیز از ناحیه او به انسان می‌رسد در رأس این دیدگاه قرار دارد. دیدگاه اسلامی نگاهش به مصنوعات در اتصال با خدا و صنعت اوست. بد نیست سخنی از محمد هومیه در اینجا بیان شود که اظهار کرده در جوامعی که خدا به فراموشی سپرده می‌شود و صرفاً تاکید و تکیه بر تکنولوژی و دستاوردهای بشری می‌باشد هر اندازه بسوی افق خواسته‌های بشری حرکت شود به همان اندازه، آن افق از دسترس بشر دور خواهد شد.

مطالعات نشان می‌دهد که اولین پایه‌ی فکری فن‌آوری ساخت در نگرش اسلامی اینست که خدای سبحان صانع و حکیم حقیقی است و فعل صنع توسط او انجام می‌شود و صنعت او، طبیعت و آفریده‌های بی‌مانند و شگفت‌آور هستند. موضوع دیگر سازنده مبانی فن‌آوری در این دیدگاه، ساخته شدن مصنوعات انسانی است که با امر، هدف و تعلیم الهی انجام شده و از نظر نگارنده باید مورد توجه قرار گیرند. به علاوه در این بینش، انسان نه در ربط با تکنولوژی بلکه در ارتباط با خداوند تعریف می‌شود و مبنای عمل، کرامت و تعالی انسان است و باید به ارزش‌های معنوی و اخلاقی در هنر و صنعت توجه گردد. هم‌چنین هماهنگی بین مصنوعات انسانی و طبیعت، و حفاظت از محیط از دیگر مبانی می‌باشد. این نگرش، مصنوعات انسان را منتسب به خدای تعالی می‌داند و معتقد است در حیطه این نیاز به فعل خداوند، انسان در مصنوعات خویش رابطه‌ای مصنوعی بین اجزاء برقرار می‌کند و تلاش می‌نماید هدف خویش به عنوان سازنده را در آن محقق نماید که این مشخصات با چگونگی صنع و مصنوع خداوند بسیار تفاوت دارد.

موضوعاتی که در ربط با ساخت مصنوعات می‌توان استخراج نمود، عبارتند از: علم، تعقل و تفکر و ادراک و تجربه، طبیعت، فعل و کار، و ایمان. شاید بتوان رهنمودهای اسلام در مورد صناعت و ساخت مصنوعات را چنین استنتاج کرد: در وهله نخست یقین به اینکه سرچشمه و فاعل هر کاری خداست و سپس استعانت از او در قدم‌گذاری در راه فن‌آوری و طی مسیر آن، دقت در طبیعت و کیفیت ساخت مخلوقات و الهام و بهره‌گیری از آنها، انسان جایگاه خویش را که همانا در ربط با خداست بشناسد و کرامت و تعالی خود را در مسیر تکنولوژی مدنظر قرار دهد، اگر هدف از ساخت مصنوعات، الهی باشد می‌تواند منشأ اثرات و پیامدهای مثبت و سعادتمندانه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در قسمت‌های دیگر این دعا نیز صفت صانع ذکر شده است.

۲. البته احتمالات دیگر هم در این مورد وجود دارد.

3. Gasset

4. Heidegger

۵. در نگرش فن‌سالاری ابزار و آلات نقش کلیدی را در جهان اندیشه‌های فرهنگی آن بر عهده دارند و پایه‌گذاران آن همگی در عین حال معتقد به مسیحیت بوده و هرگز در فکر به چالش کشاندن این دین نبودند.

6. Usher

7. Mumford

8. Geidion

۹. در سوره انفال آیه ۱۷ نیز در همین راستا ذکر شده: «شما آنان را نمی‌کشتید، خدا بود که آنها را می‌کشت و آنگاه که تیر می‌انداختی، تو تیر نمی‌انداختی، خدا بود که تیر می‌انداخت، تا به مومنان نعمتی گرانمند ارزانی دارد هر آینه خدا شنوا و داناست.»

10. McCleary

منابع:

- قرآن کریم با ترجمه‌ی فارسی و تجوید از روی تفسیر ابوالفتح رازی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان علمی.
- قرآن کریم، ترجمه‌ی مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات اسوه، ۱۳۸۴.
- قمی، عباس. کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه و تصحیح محمدباقر کمره، تهران: چاپخانه اسلامیه.
- ترجمه و شرح نهج‌البلاغه. به قلم سید علینقی فیض الاسلام، ۱۳۵۱ ش.
- ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه. به قلم سید علینقی فیض الاسلام، ۱۳۷۵ ق.
- شاهرودی، عباسعلی؛ گلابچی، محمود.، تکنولوژی و معماری. اولین کنفرانس سازه و معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ۱۳۸۶.
- شهیدی، شریف؛ بمانیان، محمدرضا (فروردین ۱۳۸۸). نقش خدامحوری در شکل‌دهی به ساختار، اجزاء و عملکردهای معماری اسلامی ایران. مجله کتاب ماه هنر، ش ۱۲۷. سازمان چاپ و انتشارات، فروردین ۱۳۸۸.
- گزارشی از سخنان محمد همویه در همایش معماری اسلامی. دانشگاه آزاد تفت یزد. ۱۴ دی ۱۳۸۵ در سایت جامعه آنلاین معماران ایران
(URL: www.memaran.ir/article 438.html(access date:2008)
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۱، چ ۶، ۱۳۷۶.
- _____ (۱۳۷۶)، تفسیر المیزان. ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۲، چ ۶.
- _____، تفسیر المیزان، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۱۰، چ ۶، ۱۳۷۶.
- _____، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و موسسه انتشارات امیر کبیر، ج ۱۴، چ ۵، ۱۳۷۶.
- عمید، حسن فرهنگ فارسی عمید، چ ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- مطهری، مرتضی. انسان در قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
- _____. علل گرایش به مادیگری. تهران: انتشارات صدرا.
- نژادابراهیمی، احد. « تکنولوژی و ساخت در معماری دوره اسلامی ». (۱۳۸۷) پروژه درس تاریخ تحلیلی تکنولوژی ساخت، راهنما: افسانه زرکش، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری.
- نصر، سیدحسین. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.

-Avicenna and the Ethics of science and technology today (2004), France: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, available in: URL: http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001344/134475e.pdf (access date: 2008).

-Hood, Webster F. (1986), “Philosophy and technology”. University of Pennsylvania.

-McCleary, Peter (winter 1983), “An Interpretation of technology”. JAE, 37/2

Ortega Gasset, Jose (1972) “Thoughts on technology”. Trans. Helene Weyl. Philosophy and technology: Readings in the philosophical problems of technology. Ed. Carl Mitcham and Robert Mackey. New York: Free.



رویکردهای انتقادی در مطالعات فیلم
جان هیل، پاملا چرچ گیبس
ترجمه‌ی علی عامری مهابادی
پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۸

کتاب حاضر، بخش نخست از مجموعه راهنمای مطالعات فیلم اکسفورد است که به شکلی مستقل منتشر شده است. کتاب دربردارنده‌ی مهم‌ترین مباحث نظری است، مباحثی که تأثیر فراوانی بر نقد فیلم گذاشته و به نوبه خود در گذر زمان به چالش طلبیده شده‌اند.

علاوه بر طرح بحث متن فیلم و شکل آن عواملی چون متن فیلم و اصالت، تحلیل متن فیلم: نما و قطع، سبک تداومی و رقابت با سبک هالیوود از جمله مباحث مورد توجه این بخش است. مولف در ادامه‌ی این بخش به بررسی و تحلیل چند فیلم نیز پرداخته و عوامل مطرح شده در بالا را مورد توجه قرار داده است.

به نظر پل مک دانلد که در بخش بعدی کتاب آمده است بازیگری شکلی از نمایش می‌باشد که در آن شخصیتی دراماتیک ساخته می‌شود. به عبارتی بازیگر با استفاده از صدا و بدن شخصیت‌های مختلف را تجسم داده و به وجود می‌آورد. به باور مک‌دانلد با اینکه بازیگری از عناصر اصلی روایت سینمایی است با این حال در مطالعات سینمایی، تحقیقی قابل توجه و عمیق درباره‌ی بازیگری فیلم انجام نشده است. به نظر مک دانلد قسمتی از دستور کار مطالعات سینمایی، بسط دادن چارچوب‌های انتقادی برای تجزیه و تحلیل نحوه‌ی بازسازی باورها و عقاید ایدئولوژیک است، بنابراین این احتمال وجود دارد که باورپذیری و حقیقی بودن بازیگری فیلم، اساسی باشد برای ارزیابی این موضوع که بازیگری در سینما به لحاظ اجتماعی چگونه کنشی دارای معنی است.

پاملاچرچ گیبس در ادامه به موضوع لباس در فیلم پرداخته و معتقد است لباس قسمتی مهم از کارکرد فیلم یا برنامه تلویزیونی است. فصل بعدی به موضوع موسیقی فیلم پرداخته و در این بین کلودیا گریمن متذکر می‌شود جز چند نوشته از دهه‌ی ۱۹۴۰، پژوهشی جدی و نظری در ارتباط با موسیقی فیلم شاید طی دهه‌ی اخیر موقعیت بهتری پیدا کرده است. به نظر وی امروزه راه برای بررسی آکادمیک موسیقی فیلم بازتر شده محققان عرصه ادبیات و ارتباطات و دپارتمان‌های موسیقی با آموزش وسیع به موسیقی فیلم وارد شده‌اند.

آنتونی ایستهوب در مقاله‌اش به نگره‌ی کلاسیک فیلم و نشانه‌شناسی پرداخته و سپس به نقد داوری کانت اشاره می‌کند.

در مقاله‌ای که یان‌کریستی در فصل هفتم درباره‌ی فرمالیسم و نئوفالیسم نوشته است، فرمالیسم را عنوانی متعارف و گاهی فریبنده گرایشی انتقامی دانسته است.

سپس رابرت ب. ربی با عنوان «امپرسیونیسم، سورئالیسم و نگره فیلم» به موضوع دنباله روی از خط سیر یا چگونه سنتی در نگره فیلم از دست می‌رود، پرداخته است. باربارا کربدنیز به فیلم و روانکاوی پرداخته است.

در ادامه پیتر برونت به پساساختارگرایی و ساخت‌شکنی اشاره می‌کند. به نظر وی پساساختارگرایی به عنوان ژنریک مبهمی است و به مجموعه‌ای از پیشرفت‌های پراکنده گفته می‌شود که پس از ظهور ساختارگرایی و نشانه‌شناسی در حوزه‌ی نظری صورت گرفته است.

در این فصل به کاربرد اندیشه‌های ژاک دریدا در سینما نیز پرداخته شده است.

سپس جان میل فیلم و پسامدرنیسم را مورد بررسی قرار می‌دهد و در ادامه چاک کلاین هانس به موضوع متن و زمینه‌ی فیلم: جنسیت، ایدئولوژی و هویت مارکسیسم و فیلم می‌پردازد.

پاتریشیا وایت سپس به فمنیسم و فیلم پرداخته و بر این باور است که فمنیسم از حرکت‌های اجتماعی و گفتمان‌های فرهنگی ـ انتقادی است که در مطالعات فیلم ـ که به نوبه‌ی خود عرصه‌ای نسبتاً نوپا و سیاسی است ـ زمینه‌ی خوبی برای فمنیسم ایجاد کرد تا در فضای دانشگاهی ریشه گیرد.

در فصول بعدی می‌خوانیم:

ـ نژاد ـ قومیت و فیلم از رابین ویگمن
ـ فیلم و هویت فرهنگی از ری چو
ـ فیلم و تاریخ از دادلی اندرو
ـ درباره‌ی جامعه‌شناسی و فیلم از اندرتیودور
ـ مطالعات فرهنگی و فیلم از گریم ترنر
ـ هرمنوتیک، دریافت، زیبایی‌شناسی و تأویل فیلم از نوئل کینگ

کتاب از دیدگاه‌های گوناگون و انتقادی به روش‌های مختلف درک فیلم و تشریح و تبیین آن توسط نویسندگان پرداخته و هم‌چنین رویکردهای نظام یافته اصلی و چارچوب‌های نظری را مورد توجه قرار می‌دهد که در مطالعه‌ی فیلم به کار رفته است.



کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی